

اظهارات جالب همسر مرحوم هاشمی رفسنجانی؛

عفت مرعشی: به فائزه فحش می‌دهند، حوصله ندارم؛ قبل انقلاب خواب دیدم همسر شاه شده!

عفت مرعشی در گفتگویی که به تازگی انجام داده گفته است «قبل انقلاب خواب دیدم همسر شاه شده!»

به گزارش سایت خبری پرسون، عفت مرعشی همسر مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در گفتگویی که به تازگی همراه با دخترش فائزه هاشمی انجام داده، اظهارات عجیبی بیان کرده که این گفتگو را بیشتر به یک گفتگوی طنز تبدیل کرده است.

بخش‌هایی از متن این گفتگو را که در روزنامه شرق منتشر شده است، را می‌خوانید:

بخش‌هایی از گفت‌وگوی جدید همسر (عفت) و دختر (فائزه) مرحوم هاشمی و ایده‌های‌شان درباره سیاست را بخوانید:

فائزه هاشمی: «مامان، من کاندیدای ریاست‌جمهوری بشم بهم رأی می‌دی؟»

عفت مرعشی: «نه!»

خبرنگار: چرا!!!!!!

عفت مرعشی: «اذیتش می‌کنند. فحشش می‌دهند، حوصله ندارم... اصلا کی به تو رأی می‌ده آخه؟»

خبرنگار: «این‌طور نگویید خانم مرعشی، فائزه خانم خیلی طرفدار دارد...»

عفت مرعشی: «فائزه طرفدار داره؟ راستی؟ خب اگر می‌تونه کار کنه، کار از دستش برمیاد، بره کاندیدا شه... منم فکرام رو می‌کنم بهش رأی بدم یا نه...»

عفت مرعشی: «خب چرا زنان می‌خوان کاندیدا بشن؟»

فائزه هاشمی: «این همه مرد اومدن و هیچ کاری نکردن. کار رو بسپرن دست زن‌ها که نشون بدن کشورداری یعنی چی... حالا مامان نظرت چیه؟ به نظر شما خوبه یک زن رئیس‌جمهور بشه؟»

عفت مرعشی: «من هیچ‌وقت فکر رئیس‌جمهور شدن رو نکردم، اما اگر رئیس‌جمهور می‌شدم می‌ساختم. کشور را آباد می‌کردم. گرانی را برمی‌داشتم...»

خبرنگار: «خانم مرعشی اگر من کاندیدای ریاست‌جمهوری بشوم شما به من رأی می‌دهید؟»

عفت مرعشی: «تو جوانی، فرصتش را داری. من به تو رأی می‌دهم». بعد می‌خندد و می‌گوید: «برات تبلیغ هم می‌کنم».

عفت مرعشی: «پیش از انقلاب خواب بدی دیدم. خواب دیدم همسر شاه شده. در خواب گریه می‌کردم که من دوست ندارم تو شاه باشی. این خواب را برایش تعریف کردم... او شاه نشد، اما در همه سال‌های پس از انقلاب خدمت کرد، هرچند سال‌های آخر مزدش را کف دستش گذاشتند...»

عفت مرعشی: «ما سفر مکه رفته بودیم. به کسی هم اطلاع نداده بودیم و ماجرا تشریفاتی نبود. اما همسر ملک عبدالله، باخبر شد و آمد هتل پیش ما. ما را شام خانه‌شان دعوت کرد... خیلی خانواده خون‌گرمی بودند. درواقع روابط ایران و عربستان از یک رابطه خانوادگی آغاز شد... بعد ما اون‌ها رو دعوت کردیم و همسرانمان هم با هم ارتباط گرفتند و مسئله سیاسی شد...»

عفت مرعشی: «(هاشمی) از سر کار که می‌آمد همان‌طور که می‌نشستیم و چای می‌خوردیم همه‌چیز را تعریف می‌کرد. بعد من می‌گفتم من اگر بودم اینجا این کار را می‌کردم. سرش را تکان می‌داد. یک وقت‌هایی می‌گفت چیزی که گفتی را پیش بردم و بهتر شد...».